استراتژیست جسور

روایت مسیری که شهید حسن باقری پیمود در دوشنبه‌های گلف

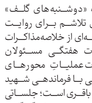

معصومه شهبازی
نویسنده کتاب دوشنبه‌های گلف

کتاب «دوشنبه‌های گلف» حاصل تلاشم برای روایت مجموعه‌ای از خاطره‌ها،ذکرات جلسات هفتگی مسئولان اطلاعات عملیات محورهای عملیاتی یا فرماندهی شهید حسن باقری است؛ جلسائی که هر دوشنبه در پایگاه گلف، پایگاه منتظران شهادت، برگزار می‌شد. در مسیر تدوین این کتاب کوشیدم مجموعه اسناد مربوط به ۴۳ جلسه به‌همراه پیوست‌های آنها را گردآوری کنم؛ اسنادی شامل طرح‌های عملیاتی، دست‌نوشته‌ها، مدارک و صوتهایی که بعدها مکتوب شدند و همگی به شهید حسن باقری تعلق داشتند. برای رسیدن به روایتی زنده و قابل‌فهم، بیش از هزاران سند، دست‌نوشته، فایل صوتی، نقشه‌های عملیاتی و تصاویر مرتبط را بررسی کردم تا کتاب صرفاً به اثری خشک و آرشیوی تبدیل نشود، بلکه خروجی کار به‌شکلی ملموس و روشن پیش چشم مخاطب ترسیم شود.

در نگاه کلی، فرآیند اطلاعاتی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: دریافت، تحلیل و پذیرش. بر همین اساس، شهید حسن باقری با سرعت نیروهای مستعد را شناسایی می‌کرد و پس از آموزش‌های فشرده، آنها را به محورهای عملیاتی اعزام می‌کرد. با سازمان‌دهی تیم‌های شناسایی، گزارش‌های لحظه‌ای از وضعیت نیروهای خودی و دشمن و همچنین عوارض زمین، به‌طور مستمر مخابره می‌شد. او اتاقی را در پایگاه گلف به مرکز کار خود تبدیل کرد؛ جایی که با ترسیم دقیق روستاها، نهرها، دشت‌ها، رمل‌ها و محل استقرار نیروهای خودی و دشمن، تصویر کاملی از صحنه نبرد روی نقشه شکل می‌گرفت. نقشه بر دیوار نصب می‌شد و هر تیروی اطلاعاتی که وارد اتاق می‌شد، پای آن می‌ایستاد، دیده‌هایش را بازگو می‌کرد و نقشه تصحیح و تکمیل می‌شد. هنوز یک هفته از حضور شهید باقری نگذشته بود که این اتاق، به مهم‌ترین مرجع اطلاعاتی جبهه‌ها بدل شد. به این ترتیب، او به چشم جبهه‌ها تبدیل شد و یکی از بزرگ‌ترین شعب‌های نیروهای مستقر در منطقه، یعنی ققدان اطلاعات دقیق از دشمن، با انتشار اولین بولتن اطلاعاتی در ششم مهر ۱۳۵۹ تا حد زیادی برطرف شد؛ بولتنی که آخرین اخبار پیش روی دشمن را در ۳۰ نسخه محدود، در اختیار فرماندهان و مسئولان قرار داد. مرحله بعد، تحلیل اطلاعات بود؛ مرحله‌ای به‌مراتب پیچیده‌تر از دریافت. در این بخش، عقلانیت و عینیت تحت‌تأثیر عواملی چون قدرت ادراک، هوش ذاتی و تجربه‌های پیشین قرار می‌گرفت. از همین‌رو، راه‌اندازی ایستگاه‌های تائید و سیار دیدبانی، سیستم شنود، بازجویی از پاسداران و اسرا، استفاده از عکس‌های هوایی و ترجمه اسناد به‌دست‌آمده از دشمن، اهمیتی حیاتی پیدا کرد. شهید حسن باقری با کنار هم گذاشتن تمامی این قرائن، به تحلیلی جامع از وضعیت دشمن دست یافت؛ تحلیلی که «نقم‌نوعه اطلاعات ارتشمندی درباره سازمان‌دهی و اهداف دشمن در اختیار فرماندهان قرار می‌داد و امکان ارزیابی دقیق‌تری از صحت نبرد را فراهم می‌کرد. اما دشوارترین مرحله، مرحله پذیرش بود؛ جایی که برآورد اطلاعاتی تنها شنیده نشد باید با ذهنیت، تجربه و منافع فرماندهان درگیر می‌شد. واقعیت آن است که حتی دقیق‌ترین برآورد‌ها، اگر با ذهنیت و منافع فرماندهان سازگار نباشد، به‌سادگی پذیرفته نمی‌شد. در چنین شرایطی، شهید حسن باقری در پنجم فروردین ۱۳۶۰ با جسارت گفت: «باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن بدردنمی‌خورد و لازم است استراتژی جنگ تغییر کند.» او به چهارچوب‌های رایج اطلاعاتی بسنده نکرد و با طراحی شیوه‌های نوین نبرد، تلفیق تفکر تحلیلی، تدبیر نظامی و باورهای عمیق دینی، به یکی از فرماندهان صاحب‌سبک جنگ بدل شد. ثمره این نگاه، در سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۶۰ و در عملیات امام‌علی(ع) نمایان شد؛ عملیاتی که در تپه‌های الله‌اکبر و با مشارکت نیروهای سپاه، ارتش، جهاد و نیروهای مردمی با موفقیت اجرا شد و روزهای از امید در دل فرماندهان گشود. مسیری که شهید حسن باقری پیمود، نمونه‌ای روشن از یک راه‌حل موفق برای خروج از بن‌بست‌های بحرانی بود؛ آن هم در زمانی که بسیاری از رهگرها ناکارآمد به‌نظر می‌رسیدند. پس از آن، او عملیات‌های محدود و گسترده متعددی را طراحی و اجرا کرد که ناکامی در آنها نبود اما بود و جنگ، فرصتی طلایی برای شکوفایی استعداد‌ها است؛ فرصتی برای خروج از قالب‌های از پیش ساخته و رسیدن به شیوه‌هایی خلاقانه که دشمن توان مقابله آسان با آنها را نداشته باشد.

امید دارم کتاب «دوشنبه‌های گلف» بتواند پاسخی درخور به یکی از پرسش‌های بنیادینی بدهد که همواره در ذهن نسل جوان مطرح است: آیا جنگ از ابتدا با برنامه و هدف مدیریت می‌شد؟ این کتاب تلاشی است برای شناخت شهید حسن باقری به‌عنوان فرمانده‌ای مبتکر و خلاق؛ فردی که مدیریت، برنامه‌ریزی و تحلیل فرآیندهای اطلاعاتی دفاع مقدس را بر پایه عقلانیت و درپرتو ایمان و معنویت پیش می‌برد.

دوشنبه‌های گلف
مروری بر جلسات هفتگی اطلاعات عملیات به مسئولیت شهید حسن باقری در پایگاه منتظران شهادت
به کوشش: معصومه شهبازی
ناشر: مؤسسه شهید حسن باقری
تعداد صفحات: ۴۹۶
قیمت: ۹۸۰۰۰۰ تومان

> کتاب «دوشنبه‌های گلف» تلاشی است برای شناخت شهید حسن باقری به‌عنوان فرمانده‌ای مبتکر و خلاق؛ فردی که مدیریت، برنامه‌ریزی و تحلیل فرآیندهای اطلاعاتی دفاع مقدس را بر پایه عقلانیت و درپرتو ایمان و معنویت پیش می‌برد

تک خال

مروری بر زندگی و زمانه شهید حسن باقری در چهل‌وسومین سالگرد شهادت ایشان و به بهانه انتشار کتاب رکن

سردار سید محمد ابوترابی
نویسنده و جانباز

۹ بهمن ۱۳۶۱ چند روز قبل از عملیات والفجر ۱۰ مقدماتی، در یک حمله خمپاره‌ای ارتش عراق در منطقه عملیاتی فکه، جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که برای شناسایی منطقه در آنجا حضور داشتند به شهادت رسیدند که حسن باقری هم میان آنها بود. حسن باقری تازه‌های است که آنها پس از ورود به جنگ در دوران سربازی، تجربه کار نظامی نداشت و در دانشگاه‌های نظامی درس نخوانده بود و مدت زمان زیادی هم در جبهه و گردان نبوده نماند. اما اگر آنها را این تنها پایان یک وجی و حتی در سال‌های پس از آن باقی ماند. در چهل‌وسومین سالگرد شهادت ایشان به بررسی مفاهیمی از زندگی این شهید بزرگوار و شهید فرماندهی و مدیریت ایشان می‌پردازیم.

سه الگوی درخشان

در ابعاد مختلف خصوصاً حوزه نظامی و مدیریت، ما به الگوهایی نیاز داریم که در زمان خودشان موفق بودند و ضرورت دارد این الگوها را به نسل‌های بعد معرفی کنیم. حقیر به عنوان یک سرباز که سال‌های عمر را در بازسازی از حریم و حرمت ملت عزیز و ارزش‌های والای آنها گذرانده‌ام، همیشه به الگو برایم می‌درخشید و خدا توفیق داد برای هر کدام از آنها هم کتابی تدوین کردم. یکی از آنها شهید بزرگوار حاج حسن طهراني مقدم بود که آشنایی ما با هم به زمانی برمی‌گردد که بنده در نیروی هوایی سپاه مشغول به خدمت بودم، نفر دوم، شهید حسن بهمنی است که بنده افتخار داشتم در مقطعی جانشین ایشان در پادگان حضرت ولی عصر(عج) و در منطقه هفت سپاه بودم و تقریباً تا لحظه شهادت هم کنار ایشان حضور داشتم و شهید مهم کنار ایشان حضور داشتم و که افتخار دردسرآموزی در مکتب زمیش را دارم. این سه شهید عزیز فقط مدیر اجرایی نبودند، مدیران راهبردی بودند که هم مدت مرتبط با مسئولیت‌شان را خوب می‌شناختند و هم در آن مسئولیتی که بودند، تحول ایجاد کردند.

خبرنگاری که فرمانده شد

شهید باقری در این حوزه یک تکخال و اسوه بود که ما هرچه می‌توانیم باید در شناخت و شناساندن این عزیزنگان کنیم، خصوصاً به نسل جوان که قرار است مدیران آینده باشند. شهید حسن باقری را یک خبرنگاه خوبی عملی است. پدرش کارمند نیرو و مادری پرتلاش که بسیار روی تربیت فرزند حساس بودند. اهل رعایت دقیق حرام و حلال و تربیت صادقانه و اینکه چه باید مرد باید و مسئولیت‌پذیر باشد. شهید باقری قبل از فرماندهی خبری ارسالی برای روزنامه «جمهوری اسلامی» این است که جوانان حسن‌آباد باید از سازمان‌هایی که برای دفاع در مقابل دشمن بوده است خارج شده و در مقابل اسرائیل سازماندهی شوند آن هم نه فقط با سلاح‌های سبک ملل کلاش و آرپی‌جی که روس‌ها برای شه‌لغو جون جنگ‌های داخلی در اختیارشان می‌گذارند بلکه حتما باید موشک داشته باشند؛ موشک‌های ضدهوایی که بتوانند هواپیماها را بزنند یا موشک‌های زمین به زمین که بتوانند با نیروهای زمینی اسرائیل مقابله کنند. در سال ۸۱ شهید باقری شما فامیل جناب آقای حسن‌آباد را که از ضرورت تشکیل حزب‌الله و تجهیز حزب‌الله می‌گوید. خیلی‌ها شاید آنقدر حرف‌های و مفید بود که در روزنوشت‌هایش نوشته است: «شرکت کرد با پژوهشی با دلیی زیادی هم به سردبیر «جمهوری اسلامی» و گفت: بنده می‌خواهم با حواست و گفت: بنده روزنامه «جمهوری اسلامی»، با هیأتی که مهندس بازرگان نخست‌وزیر آقای برزتی وزیر امور خارجه و آقای چمران به‌عنوان وزیر دفاع در آن حاضر بودند به جنگ، که حاصل آن حلال، خانواده‌ای را که مادری نجیب بود که تربیت درست ملاک زندگی این بود و این، شبهه مهم‌ترین پیامی است که باید نسل امروز منتقل کرد.

شهید حسن باقری در روزنامه جمهوری اسلامی

«جمهوری اسلامی» در کنار مبرآقای میرحسین موسوی، سردبیر روزنامه بود که بعداً نخست‌وزیر شد. و لاکر حرفی برای گفتن داشت، ملاحظه نمی‌کرد و مصلحت‌جوی عافیت‌طلب نبود. مدل حسبت گردنش طوری بود که خیلی‌ها اول فکر می‌کردند دارد ادعی‌آورد. یعنی بزرگ‌تر از خودش صحبت می‌کند و صدایش رسا و مرتاب بود. می‌گفت: «خدا رحمت کند بدر پدرم مثلاً یک گروهی بود بنام ارتش رهایی‌بخش ایران که ارتشی‌ها فراری در عراق با همکاری شاپور بختیار تشکیل داده بودند با سلطنت‌طلب‌ها و بعد از ماجرای کنتاز ۱۷ شهریور کشته شدند در آن دوران در ایلام سربراز است و وقتی به مرخصی می‌آیند، به خانواده اطلاع می‌دهد دیگه نمی‌تونم بیام سربراز این رژیم جنایتکار باشم. همان موقع مقاله‌ای با اسم «حسین افشاری» می‌نویسد که در روزنامه کثیرالانتشار آن زمان چاپ می‌شود و در آن به وزیر اطلاعات آن زمان هشدار می‌دهد که اگر روزانه‌ها نتوانند آزادانه بنویسند و دردها را بگویند، مباحث به خیابان کشیده می‌شود و صریحاً می‌گوید: علت اینکه مباحث به خیابان کشیده شده است که شما سانسور را بر مطبوعات حاکم کردید.»

دقت کنید این قضیه برای قبل از پیروزی انقلاب است و حسن باقری همین یک فرد که خودش را مسئول می‌داند، نه اینکه نمی‌کند که الآن چه بر سر کار است، در چهارچوبی که دارد حرف می‌زند و مشکلات را بیان می‌کند و بعد از آن هم اگر می‌دهد. یک از ارزشمندترین کارهای تدوینی تبیینی ایشان گزارش‌هایش در رابطه لبنان در سال ۱۳۵۸ است و من به دلیل نوع کاری که در این خصوص داشتم، در جریان هستم که از فوت‌ترین تحلیل‌های است که تاکنون شده است شده. ایشان خودش! و زود در لبنان بود و گزارش‌هایی از همه مهم‌تر اینکه اسرائیل هم دائم تجاوزاتی به خاک لبنان داشت. مثلاً یک شهید باقری قبل از فرماندهی خبری ارسالی برای روزنامه «جمهوری اسلامی» این است که جوانان حسن‌آباد باید از سازمان‌هایی که برای دفاع در مقابل دشمن بوده است خارج شده و در مقابل اسرائیل سازماندهی شوند آن هم نه فقط با سلاح‌های سبک ملل کلاش و آرپی‌جی که روس‌ها برای شه‌لغو جون جنگ‌های داخلی در اختیارشان می‌گذارند بلکه حتما باید موشک داشته باشند؛ موشک‌های ضدهوایی که بتوانند هواپیماها را بزنند یا موشک‌های زمین به زمین که بتوانند با نیروهای زمینی اسرائیل مقابله کنند. در سال ۸۱ شهید باقری شما فامیل جناب آقای حسن‌آباد را که از ضرورت تشکیل حزب‌الله و تجهیز حزب‌الله می‌گوید. خیلی‌ها شاید آنقدر حرف‌های و مفید بود که در روزنوشت‌هایش نوشته است: «شرکت کرد با پژوهشی با دلیی زیادی هم به سردبیر «جمهوری اسلامی» و گفت: بنده می‌خواهم با حواست و گفت: بنده روزنامه «جمهوری اسلامی»، با هیأتی که مهندس بازرگان نخست‌وزیر آقای برزتی وزیر امور خارجه و آقای چمران به‌عنوان وزیر دفاع در آن حاضر بودند به جنگ، که حاصل آن حلال، خانواده‌ای را که مادری نجیب بود که تربیت درست ملاک زندگی این بود و این، شبهه مهم‌ترین پیامی است که باید نسل امروز منتقل کرد.

چهار راز موفقیت حسن باقری

حسن باقری سیار نکته‌سنج بود، عقل تجزیه و تحلیل داشت، رکورد آرام می‌گرد، اهل مطالعه بود از سلول‌های مغزش خوب استفاده می‌کرد. در جمع‌بندی و استفاده از منابع علمی نیز خیلی بی‌رغم سن و سال کمی که داشت، برخی جاها مبانی را از خود ارتش‌ها بهتر ارائه می‌کرد. در شناخت جعرافیا و دشمن که دو مؤلفه اساسی در کار اطلاعاتی هستند واحدت است بسیار متحرر بود و برای همین توانایی‌ها بود که حاج داود کریمی اسلامی را به عنوان یک کارشناس اطلاعاتی به فرماندهان ارتش معرفی می‌کند. در ارائه مطالب خیلی قوی و منحصر به فرد بود که بنده به قول خودش ویژگی یچه میدان جنگ خیلی در هما ۶ ما ول است. او برای درک بهتر وضعیت تقریباً از روز ششم جنگ به سیاربین یاد داد چه گور گزارش بنویسند. ابتوا اعیاد مهم او در حوزه کار اطلاعاتی جنگ بود. حرفش با فرماندهان بالاست این است وجه حسن آقا شاید زیر سایه بُعد اطلاعاتی‌اش کمتر شناخته شده باشد.

هنر اقناع کردن

شهید باقری دو ویژگی دارد که در خیلی از مسئولان، نه فقط نظامی بلکه مسئولان سیاسی، هم کم دیده می‌شود: یکی اینکه ایشان اهل نوشتن است و وقایع را می‌نویسد، یعنی روزنوشت دارد، ما خیلی کم داریم کسانی که این طور دقیق مطالب را بنویسند و نکته دوم شناخت دقیق از دشمن بود که حتی اسم و مشخصات فرماندهان عراقی را ذکر نه تنها به‌خوبی می‌داند، بلکه می‌داند که از سری عراقی داشت زمعی مجموعه سپاه را تشکیل داد. تقریباً ۱۰۰ دستگاه بی‌ام‌پی از آقای صیاد برای قتح‌الله جعفری می‌گیرد و ۸۰۰ افسر عراقی را که اسیر شده بودند، به کار گرفت آب‌ا این مجموعه زمعی شمایا زاید بیایدزید. بروند خودمان بگان تشکیل بدهند و مسئولیت بپذیرند. می‌گفت ما دوستم‌ارمی، راه نیندیاختیم. بعد به دلیل رفتن سراغ کارهای فرعی آقای بیروها و تقویت دفاع می‌ماند و نیروی برای من می‌فرستند که آموزش کافی ندیده‌اند، به من می‌گفتند ولی باید یک کار نمی‌آیستادند و کمک نمی‌کردند که مشکل رفع شود و از جنگ بیرون می‌رفتند. اما اکثر بچه‌های جنگ، بچه‌های آزاده بودند که هم می‌فهمیدند، هم صریح به من می‌گفتند و هم پای کار می‌ایستادند، شهید باقری و افاق یک آزاده به تمام معنا حتی برای بچه‌های ارتش بود.

«رکن»؛ زندگینامه خودنوشت حسن باقری

با همه بزرگی حسن باقری اما برای انجام وظیفه‌ای هرچند کوچک تلاش کرد دریاره او کتابی بنویسم که امسش را «رکن» گذاشتم و در آن گوشه‌های بیشتری از خاطرات جعبا و زندگی شهید باقری ارائه دادم. این کتاب درحقیقت زندگینامه خودنویس ایشان است بعنی از زبان ایشان بیان شده است. به هر حال من در وسع خودم جرعه‌ای از این دریا را منتقل کردم، اما ذائقه جوان‌ها و خوف مسئولان ما از این الگو استفاده کنند که واقعاً هم در کار و هم در ابعاد شخصی و زندگی خصوصی یک اسوه بود. در کار یک مدیریت دلسوزانه بسیجی با نگاه آسیب‌شناسی صادقانه داشت.

تک تک عملیات‌ها را ایشان آسیب‌شناسی کرده است. مثلاً جریان‌القاس بن‌الامیین که عملیات‌های موفق بودند و همه فقط از خوابی‌هایشان می‌گویند ولی حسن باقری همین‌ها را هم آسیب‌شناسی کرد و این خصوصیات یعنی کاملی، حرارت وصداقت از آن یک مجتهد مبرز نظامی ساخته بود.

همه آن‌ها با شهیدان محبور بوده وآنان را می‌شناسند مسئولیت سنگینی به عهده داریم، نباید اجازه بدهیم این عناصر زمینی را خیلی آسمانی کنند. حسن باقری آسمانی شد اما همان حسن باقری بچه میدان خراسان بود که سربازی بود، دعوا کرد، شمال می‌رفته، در انقلاب حضور داشته و این درجات تعالی را یله‌پله طی کرده است. مردی بوده که شاهدان را زیر بار انقلاب و مردم داده است و البته فقط حسن باقری نبود، بچه‌های جنگ، بچه‌های آزاده بودند که هم می‌فهمیدند، هم صریح به من می‌گفتند و هم پای کار می‌ایستادند، شهید باقری و افاق یک آزاده به تمام معنا حتی برای بچه‌های ارتش بود.

نویسنده و متفکری نظامی

باید نوه‌ای به نویسنده اشاره می‌کنم: دهم آبان ۱۳۵۹، یادداشتی با اشاره به میزان و نوع تجهیزات نظامی بعثی‌ها در جعرافیایی که محل آن ذکر شده نوشته، اینکه چند تانک و ضدهوایی و... دارند. بعد از آن هم چند سطر درباره نظر و راهکار پیشنهادی خودش نوشته است، از جمله آنکه: «چنانچه تانک‌های خودی که پیش‌تر در جاده بودند به محل خود بازگردند، برادران پاسدار می‌توانند در گروه‌های ضربتی، با استفاده از وضعیت طبیعی بوته‌ها و درختچه‌ها، به نیروهای دشمن ضربه وارد کنند تا خطر دفع شود.» و در یک‌دیگ این یادداشت‌ها راهکارهای جنگی نیز ارائه می‌دهد. در یادداشتی که به فرمان آن روز تعلق دارد، شهید باقری درباره وضعیت سالبه، جبهه شمالی استان خوزستان گزارشی ارائه کرده، او در این یادداشت به شرح وضعیت یکی از روستاهای مرزی جعرافیایی مذکور می‌پردازد، از چگونگی پیشروی بعثی‌ها می‌نویسد و بازهم راهکار ارائه می‌دهد. اینها را گفتم که بدانید یادداشت‌های مذکور را به بهانه تبت‌نوافیع و خاطره‌نگاری نمی‌نوشته بلکه آنها بخشی از شیوه فرماندهی‌اش بود. تمام این در نگاه اول یک نظر برسد که این یادداشت‌ها، صرفاً تصویری از جنگ یا زیبان‌رویمان می‌گذارد، ولی من معتقدم بخشی از سلوک رفتاری و شخصیت شهید باقری را می‌توان در خلال سطرهای این روزنوشت‌ها مشاهده کرد: انعکاسی از رفتارها، و عبادات و از همه مهم‌تر چگونگی مواجهه با زیردست و مدیران بالادستی هم در آنها جای گرفته است.

دیگر آنکه هر کتاب از این مجموعه بیش از چند جلدی، حدود ۵۰۰ صفحه است که مجموع هر پنج جلد، ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ صفحه می‌شود. او به گزارش‌نویسی روز آمد تا از آن طریق، بهترین راهکار را برای شکست دشمن بیابد. به‌خصوص که در سال اول جنگ، عمده نمرکزمان بر آورد که دهقان در حوزه روایت و روزنوشت‌نویسی انجام داده است؛ گاری که مجموعه‌های خاص و درخشان در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار داده است که آن راهی نمی‌توان در زمره اولین‌های این حوزه نیز دانست؛ هم در کرنامه کاری احمد دهقان و هم در مقایسه با دیگر کتاب‌های دفاع مقدس، جراگه سبک و سیافی متفاوت دارد. البته او هیچ دخل و تصرفی در یادداشت‌های شهید باقری انجام نداده، به آنها کلمه‌ای افزوده و نه حذفی صورت نداده است. دهقان یادداشت‌ها، با بهترین نگویم گزارش‌های روزانه شهید باقری را به شکلی هوشمندانه مرتب و تدوین کرده است.

روزنوشت‌هایی مهم و خوش‌خوان

یادداشت‌های این فرمانده نابغه و جوان دوران دفاع مقدس، نثری ساده و خوش‌خوان نیز دارند که شهید باقری آنها را با تأکید بر محورهای مختلف جنوب کشور از سوسنگرد و دزفول گرفته تا آبادان و در برخی، خوزستان نوشته است. با توجه به آنکه یادداشت‌های این اثر روزانه هستند، برخی از آنها در نتیجه مشاهده شخصی شهید باقری در برخی نبرد به ویژه دیدن یادداشت‌هایی است که ماموریت تصمیم‌ها و انجام این کار را برعهده داشته‌اند. اطلاعات آماری و جنگی قابل توجهی نیز در آنها درج شده، از جمله آنکه در فکاه جبهه، با فلان مختصات جعرافیایی چه تعداد از نیروی دشمن و با چه تجهیزات و کالای حضور دارد. در فرماندادن، نظر شخصی خود برای چگونگی مقابله با دشمنان را هم آورده است.

بگذارید به خاطره‌ای از مراسم رونمایی این مجموعه اشاره کنم که با حضور چهره‌های شاخصی چون رضا امیرخانی (که امیدوارم هرچه زودتر بهبودی کامل پیدا کنند) و شهید محمد باقری (برادر کوچک‌ترشهید باقری که در جنگ دوازده روزه صهیونیست‌ها علیه کشورمان به شهادت رسید) برگزار شد. آقای امیرخانی در آن جلسه با تعبیری زیبا و خودمانی از مجموعه «گزارش روزانه جنگ» یاد کرد و گفت: «در این مجموعه یادداشت‌ها ما با گمرهٔ وگورهای روبه‌رو هستیم که احمد دهقان، گورهشناسی اش کرده است.» امیرخانی آن کتاب را گوهر دانست و گفت: «شهید باقری را گوهرساز و احمد دهقان را هم گوهرشناس خواند. این گفته به نقل از نویسنده و پژوهشگری که خود از جبهه رزمگان است، گویا نیز است.

پیروی مطلق دست بیدا یا نقش‌آفرینی شهید باقری به سرانجام می‌رسند. باید شهادت او از دست ندن نوایی چون شهید باقری و شهید دیگر، جای خالی‌اش دیده می‌شود. پیروزی‌های نام‌وآوازی که با حضور آنان به دست آمد و دیگر به آن شکل تکرار نشد.

از دیگر ویژگی‌های این یادداشت‌ها می‌توان به پرهیز از مبالغه‌گویی و قاطیه‌گویی اشاره کرد. شهید باقری در جای‌جای یادداشت‌ها مشهود است، اینکه از سویی تنوریسین است و از سویی به عنوان فرمانده و شخصیتی نظامی، شهید باقری تنوعی نیز برای کار می‌رود و در نهایت هم به شهادت می‌رسد. مهم‌ترین عملیات‌های سال‌های دفاع مقدس را مرهون نبوغ و رشادت‌های امثال شهید باقری هستیم. این کتاب‌ها همان طور که آشنا شد از نظر محتوایی، مجموعه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌آیند. جراگه در بردارنده گزارش‌های روزانه جنگ و عملیات‌های مهم، با نگرد جزئیاتی دقیق و کم‌نظیر درباره وضعیت دشمن و تجهیزات‌شان بوده است؛ به گمانم از این جهت، منتشر نشده است.

در کنار کارکردهای تحقیقی و تاریخی پنج جلدی «گزارش روزانه جنگ»، نویسندگان ادبیات داستانی می‌توانند از این مجموعه برای خلق رمان‌ها و داستان‌های خواندنی و سینماگران برای ساخت فیلم‌های ماندگار بهره بگیرند. مثلاً مشاهده یک چندین سال از انتشار مجموعه «گزارش روزانه جنگ» از سوی انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شهید حسن باقری می‌گذرد اما هنوز بسرای معرفی جدی آن کاری نشده است؛ امیدوارم دیگر رسانه‌ها نیز بی‌به ضرورت معرفی آن ببرند. جا دارد که این قبیل کتاب‌ها حتی به نظام دانشگاهی و سرفصل‌های درسی رشته‌های مرتبط راه پیدا کنند. مطالعه این کتاب، برای نوجوانان و جوانان نیز می‌تواند راهگشا باشد، باید به کمک جنین آثار ارزشمندی از حقایق سال‌های جنگ و رشادت‌های آن به صرف خلط این مرز ووبم کشده است بکوبیم. از این طریق جوان امروز می‌فهمد مسئله فقط جنگ و رشادت‌های آن نبود که از مرزهای آنجنانی بهره‌مند شده نیست. همین امروز هم در میان مدیران ملی، نظیر شهید باقری‌ها را داریم، امثال شهید جاودی، شهید همت و شهید حرازی هنوز در جای‌جای این کشور حضور دارند و خدمت می‌کنند. و البته که یکی از مهم‌ترین گروه‌های جامعه هدف این مجموعه، مسئولان و فرماندهان هستند. آنان باید مجموعه «گزارش روزانه جنگ» را بخوانند و به عنوان نقشه مدیریتی از آن استفاده کنند تا دشمنان حیال‌باخی دست‌دزاتی به تمامیت ارضی سرزمین‌ما به سرشان نزند.

گزارش روزانه جنگ
۵ جلد
ناشر: احمد دهقان
ناشر: مؤسسه شهید حسن باقری
تعداد صفحات: هر جلد
میانگین ۵۰۰ صفحه
قیمت: ۳۴۰۰۰۰ تومان هر جلد

> در ماجرای طبس، شهید حسن باقری اولین خبرنگاری است که شبانه خود را به آنجا رساند و روایت‌های دست اول آن ماجرا را به اطلاع ملت ایران و مسئولین نظام و جهانیان رسانید. او در زمان اوج‌گیری حساس‌ترین زمان اوج‌گیری تجزیه‌طلبی در کردستان با احمد مفتی‌زاده یکی از بزرگان اهل سنت انجام داد

اکبر صحرایی
نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس

حکایت گوهرساز و گوهرشناس

مروری بر روزنوشت‌های شهید حسن باقری در پنج جلدی گزارش روزانه جنگ

کتاب «گزارش روزانه جنگ» با تنظیم و تدوین احمد دهقان از جمله آثار ارزشمند انتشار یافته مرتبط با شهید حسن باقری است. هر جلد از این مجموعه پنج جلدی، به اتفاقات دوره‌ای شش ماهه از جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، با نقش‌آفرینی شهید باقری پرداخته است. هر جلد این مجموعه به ترتیب به «شش ماهه دوم ۱۳۵۹»، «شش ماهه اول ۱۳۶۰»، «شش ماهه دوم ۱۳۶۰»، «شش ماهه اول ۱۳۶۱» و «شش ماهه دوم ۱۳۶۱» تعلق دارد. دوره زمانی مورد نظر کتاب از همان روزهای ابتدایی جنگ آغاز می‌شود و تا حدود بیست‌وهشت ماه ادامه پیدا می‌کند. درج اسم احمد دهقان به‌عنوان نویسنده‌ای که زحمت تدوین و تنظیم آن را به عهده داشته به‌وضوح جلد بر اهمیت و جایگاه آن می‌افزاید. دهقان از نویسندگان سرشناس نسل اولی ادبیات داستانی دفاع مقدس است که او را به رمان‌ها و داستان‌های شاخصی که نوشته می‌شناسیم و برایمن است «گزارش روزانه جنگ» را می‌توان اولین گام بزرگ پژوهشی و تدوینی به شمار آورد که دهقان در حوزه روایت و روزنوشت‌نویسی انجام داده است؛ کاری که مجموعه‌های خاص و درخشان در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار داده است که آن را می‌توان در زمره اولین‌های این حوزه نیز دانست؛ هم در کرنامه کاری احمد دهقان و هم در مقایسه با دیگر کتاب‌های دفاع مقدس، جراگه سبک و سیافی متفاوت دارد. البته او هیچ دخل و تصرفی در یادداشت‌های شهید باقری انجام نداده، به آنها کلمه‌ای افزوده و نه حذفی صورت نداده است. دهقان یادداشت‌ها، با بهترین نگویم گزارش‌های روزانه شهید باقری را به شکلی هوشمندانه مرتب و تدوین کرده است.

روزنوشت‌هایی مهم و خوش‌خوان

یادداشت‌های این فرمانده نابغه و جوان دوران دفاع مقدس، نثری ساده و خوش‌خوان نیز دارند که شهید باقری آنها را با تأکید بر محورهای مختلف جنوب کشور از سوسنگرد و دزفول گرفته تا آبادان و در برخی، خوزستان نوشته است. با توجه به آنکه یادداشت‌های این اثر روزانه هستند، برخی از آنها در نتیجه مشاهده شخصی شهید باقری در برخی نبرد به ویژه دیدن یادداشت‌هایی است که ماموریت تصمیم‌ها و انجام این کار را برعهده داشته‌اند. اطلاعات آماری و جنگی قابل توجهی نیز در آنها درج شده، از جمله آنکه در فکاه جبهه، با فلان مختصات جعرافیایی چه تعداد از نیروی دشمن و با چه تجهیزات و کالای حضور دارد. در فرماندادن، نظر شخصی خود برای چگونگی مقابله با دشمنان را هم آورده است.

بگذارید به خاطره‌ای از مراسم رونمایی این مجموعه اشاره کنم که با حضور چهره‌های شاخصی چون رضا امیرخانی (که امیدوارم هرچه زودتر بهبودی کامل پیدا کنند) و شهید محمد باقری (برادر کوچک‌ترشهید باقری که در جنگ دوازده روزه صهیونیست‌ها علیه کشورمان به شهادت رسید) برگزار شد. آقای امیرخانی در آن جلسه با تعبیری زیبا و خودمانی از مجموعه «گزارش روزانه جنگ» یاد کرد و گفت: «در این مجموعه یادداشت‌ها ما با گمرهٔ وگورهای روبه‌رو هستیم که احمد دهقان، گورهشناسی اش کرده است.» امیرخانی آن کتاب را گوهر دانست و گفت: «شهید باقری را گوهرساز و احمد دهقان را هم گوهرشناس خواند. این گفته به نقل از نویسنده و پژوهشگری که خود از جبهه رزمگان است، گویا نیز است.

پیروزی مطلق دست بیدا یا نقش‌آفرینی شهید باقری به سرانجام می‌رسند. باید شهادت او از دست ندن نوایی چون شهید باقری و شهید دیگر، جای خالی‌اش دیده می‌شود. پیروزی‌های نام‌وآوازی که با حضور آنان به دست آمد و دیگر به آن شکل تکرار نشد.

از دیگر ویژگی‌های این یادداشت‌ها می‌توان به پرهیز از مبالغه‌گویی و قاطیه‌گویی اشاره کرد. شهید باقری در جای‌جای یادداشت‌ها مشهود است، اینکه از سویی تنوریسین است و از سویی به عنوان فرمانده و شخصیتی نظامی، شهید باقری تنوعی نیز برای کار می‌رود و در نهایت هم به شهادت می‌رسد. مهم‌ترین عملیات‌های سال‌های دفاع مقدس را مرهون نبوغ و رشادت‌های امثال شهید باقری هستیم. این کتاب‌ها همان طور که آشنا شد از نظر محتوایی، مجموعه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌آیند. جراگه در بردارنده گزارش‌های روزانه جنگ و عملیات‌های مهم، با نگرد جزئیاتی دقیق و کم‌نظیر درباره وضعیت دشمن و تجهیزات‌شان بوده است؛ به گمانم از این جهت، منتشر نشده است.

در کنار کارکردهای تحقیقی و تاریخی پنج جلدی «گزارش روزانه جنگ»، نویسندگان ادبیات داستانی می‌توانند از این مجموعه برای خلق رمان‌ها و داستان‌های خواندنی و سینماگران برای ساخت فیلم‌های ماندگار بهره بگیرند. مثلاً مشاهده یک چندین سال از انتشار مجموعه «گزارش روزانه جنگ» از سوی انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شهید حسن باقری می‌گذرد اما هنوز بسرای معرفی جدی آن کاری نشده است؛ امیدوارم دیگر رسانه‌ها نیز بی‌به ضرورت معرفی آن ببرند. جا دارد که این قبیل کتاب‌ها حتی به نظام دانشگاهی و سرفصل‌های درسی رشته‌های مرتبط راه پیدا کنند. مطالعه این کتاب، برای نوجوانان و جوانان نیز می‌تواند راهگشا باشد، باید به کمک جنین آثار ارزشمندی از حقایق سال‌های جنگ و رشادت‌های آن به صرف خلط این مرز ووبم کشده است بکوبیم. از این طریق جوان امروز می‌فهمد مسئله فقط جنگ و رشادت‌های آن نبود که از مرزهای آنجنانی